

فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس

عبدالرسول شیروانیان و جواد ترکمانی*

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۹/۲/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۳۸۸/۳/۲۴

چکیده

هدف این مقاله بررسی فقر در سطوح مختلف گرایش به مخاطره‌ی روستاییان است. در بررسی فقر از شاخص‌های نسبت سرشمار فقر، نسبت شکاف فقر و شدت فقر و در تعیین تمایلات ریسکی از روش معادل مطمئن برابر با فعالیت ریسکی فرضی استفاده شد. آمار و اطلاعات مورد نیاز به صورت پیمایشی از نمونه‌ای شامل ۱۲۰ خانوار در سه روستای شهرستان فسا از توابع استان فارس در سال ۱۳۸۶ به دست آمد. نتایج بیان می‌کند، ۴۸/۳۳ درصد روستاییان مورد مطالعه، فقیر و ۵۱/۶۷ درصد غیرفقیر می‌باشند. شکاف فقر و شدت فقر برای گروه فقیر نمونه‌ی مورد مطالعه به ترتیب ۰/۳۵۴ و ۰/۱۹۰ است. از نظر تمایلات ریسکی، ۴۶/۵۵ درصد فقرای روستایی ریسک‌پذیر، ۳۴/۴۸ درصد آنان ریسک‌گریز و ۱۸/۹۷ درصد ریسک‌خنثی هستند. فقرای ریسک‌گریز، بیش‌ترین و فقرای ریسک‌پذیر، کم‌ترین شکاف فقر را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین فقرای ریسک‌گریز، بیش‌ترین و فقرای ریسک‌پذیر کم‌ترین حساسیت را نسبت به توزیع درآمد از خود نشان می‌دهند.

طبقه‌بندی JEL: D1, D8, I3

واژه‌های کلیدی: فقر روستایی، تمایلات ریسکی، استان فارس

* به ترتیب دانشجوی دکترا و استاد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شهراز

مقدمه

پدیده‌ی فقر از دیرباز با زندگی بشر همراه بوده است. این واقعیت که یکی از تعالیم همهی ادیان، دست‌گیری و حمایت از فقراست، خود دلیل محکمی بر قدمت زیاد فقر و مساله‌ساز بودن آن برای نظم اجتماعی جوامع در طول تاریخ است (معنوی، ۱۳۷۸؛ زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴). از بعد اقتصادی نیز، تاریخ اقتصاد با موضوع فقر عجین بوده و در ادبیات توسعه‌ی اقتصادی تا به آن سطح از اهمیت است که، اقتصاددانان فقر را به عنوان یکی از مباحث مهم در ادبیات توسعه، مطرح و زدودن فقر از جامعه را یکی از اهداف اصلی توسعه اقتصادی عنوان می‌کنند (داداش‌زاده، ۱۳۷۰؛ میرزاخانی، ۱۳۷۴؛ عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ خالدی و پرمه، ۱۳۸۴؛ محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶). در صورت بی‌توجهی به فقر، گسترش آن برای منطقه مخاطره‌آمیز بوده، به کاهش فعالیت‌های اقتصادی، افزایش اختلاف طبقاتی و عمیق‌تر شدن فقر می‌انجامد (معنوی، ۱۳۷۸). بر این اساس، توجه به پدیده‌ی فقر در جامعه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

بررسی ادبیات فقر حاکی از آن است که، تاکنون تعاریف متعددی از فقر بسته به شرایط مکانی و زمانی مختلف، بیان و بر اساس آن معیارهای گوناگونی برای سنجش فقر ارائه شده است (زاهدی عبقری، ۱۳۷۵؛ رضوی، ۱۳۸۲؛ جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷). در عین حال، آن چه از مجموع تعاریف و معیارهای مورد استفاده در تعیین فقر قابل استنباط است آن است که، توانایی مالی گروه‌های فقیر در تامین مخارج زندگی اندک است (شفیعی و بخشوده، ۱۳۸۴). با صنعتی شدن کشورها، به نظر می‌آید که پدیده‌ی فقر برطرف شود. اما چنین نشد و کشورها بیش از پیش با پدیده‌ی فقر مواجه شدند (زاهدی عبقری، ۱۳۷۵؛ معنوی، ۱۳۷۸؛ رضوی، ۱۳۸۲؛ جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷). این پدیده در کشورهای جهان سوم نسبت به کشورهای پیش‌رفته با عمق و ابعاد وسیع‌تری مطرح است (داداش‌زاده، ۱۳۷۰؛ معنوی، ۱۳۷۸). در این کشورها، بخش چشم‌گیری از فقرا را روستاییان تشکیل داده و عموماً درصد فقیران در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است (جعفری ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷).

فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس

ایران نیز مانند دیگر کشورهای در حال توسعه‌ی جهان با مساله‌ی فقر و گستردگی این پدیده در جامعه روستایی روبه‌رو است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴). در ایران خانوارهای روستایی دارای وضعیت نامطلوب‌تری در مقایسه با خانوارهای شهری هستند. به طوری که، شدت فقر و نابرابری در میان فقرا در مناطق روستایی بیش از مناطق شهری است (عابدی، ۱۳۸۱؛ محمودی، ۱۳۸۱؛ محمودی، ۱۳۸۲).

یکی از عوامل و پارامترهای مهم و موثر در موفقیت برنامه‌های فقرزدایی در مناطق روستایی، پدیده‌ی ریسک است. به دلیل ریسکی بودن فعالیت‌ها در مناطق روستایی، بویژه در کشورهای در حال توسعه، روستاییان اغلب به فعالیت‌هایی رو می‌آورند که از سطح اطمینان قابل قبول‌تری برای تامین معاش آن‌ها برخوردار باشد، حتا اگر لزوم این انتخاب صرف‌نظر کردن از بخشی از درآمد باشد. در نتیجه، مخاطرات هم‌راه با فعالیت‌ها بویژه در کشورهای در حال توسعه موجب تاثیر بر نوع فعالیت‌های منتخب و بازده آن‌ها شده، و به این ترتیب نه تنها موجب تغییر روند توسعه‌ی روستایی می‌شود، بلکه تغییر سطح معاش افراد درگیر با فعالیت‌ها را نیز به هم‌راه دارد (موسکاردی و دی جانوری، ۱۹۷۷؛ بینسوانگر، ۱۹۸۰؛ دیلون و اسکاندیزو، ۱۹۸۷؛ ترکمانی، ۱۳۷۹). مجموعه‌ی این موارد اهمیت توجه به ریسک در بین گروه‌های فقیر را دوچندان کرده به طوری که در حال حاضر هراس از آینده و نگرانی فقرا از سقوط هرچه بیش‌تر در دام فقر و از دست دادن کمینه درآمدهای موجود، به یکی از ارکان بسیار مهم فقر بدل گردیده است (محمودی و صمیمی‌فر، ۱۳۸۴).

در ایران، دخالت دادن ریسک و گرایش به مخاطرات در مطالعات فقر، به صورت غیرمستقیم و حاشیه‌ای بوده است (میرزاخانی، ۱۳۷۴؛ عرب‌مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳؛ خالدی و پرمه، ۱۳۸۴؛ رییس‌دانا، ۱۳۸۴؛ زاهدی‌مازندرانی، ۱۳۸۴؛ جعفری‌ثانی و بخشوده، ۱۳۸۷). افزون بر آن مطالعات کلان صورت گرفته در زمینه‌ی فقر در جامعه‌ی روستایی ایران، عموماً در کلی‌ترین سطوح اطلاعاتی باقی مانده و نتوانسته‌اند با تعریف مصادیق مشخصی که اغلب فقط از طریق مطالعات خرد حاصل می‌شود، به استراتژی‌ها و سیاست‌گذاری‌های دقیق، هدف‌مند و موفق منجر شوند (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴). با توجه به مجموع موارد بالا، این

مطالعه تمایلات ریسکی روستاییان را به صورت پرننگ‌تر در مطالعه‌ی فقر مورد توجه قرار داده و به بررسی رابطه‌ی بین فقر و تمایلات ریسکی روستاییان در سطح خرد پرداخته تا از این ره‌گذر گامی در جهت منطقی‌تر کردن سیاست‌ها و برنامه‌های فقرزدایی در این مناطق بردارد.

روش تحقیق

مجموعه‌ی شاخص‌های فقر FGT^۱ شامل نسبت سرشمار^۲، نسبت شکاف فقر^۳ و شدت فقر^۴ که توسط فوستر و هم‌کاران (۱۹۸۴) ارائه و بر اساس بررسی‌های متعدد انجام شده در زمره‌ی پیش‌رفته‌ترین و رایج‌ترین شاخص‌های فقر می‌باشد (عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳؛ زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴؛ داگلاس و هم‌کاران، ۲۰۰۲؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶). پس، در این مطالعه از این مجموعه شاخص‌ها به منظور بررسی فقر استفاده شد. مجموعه‌ی شاخص‌های فقر FGT به صورت زیر بیان می‌شود:

$$FGT = P(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right)^\alpha \quad \alpha = 0, 1, 2. \quad (1)$$

که در آن، n تعداد کل خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه، q تعداد خانوارهای فقیر موجود در نمونه، z خط فقر و x_i درآمد خانوار i ام نمونه‌ی مورد مطالعه است. در رابطه‌ی (۱)، α پارامتری است که با توجه به مقدار آن می‌توان هر یک از شاخص‌های نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و شدت فقر را تعیین کرد. چنانچه پارامتر α برابر صفر باشد، شاخص نسبت سرشمار به دست می‌آید، که ساده‌ترین روش اندازه‌گیری فقر بوده و نسبت افراد فقیر را به کل افراد جامعه نشان می‌دهد. این شاخص با استفاده از رابطه‌ی زیر محاسبه می‌شود (داگلاس و هم‌کاران، ۲۰۰۲؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶):

1-Foster-Greer-Thorbecke (FGT) Poverty Indices

2-Headcount Ratio

3-Poverty Gap Ratio

4-Severity of Poverty

$$H = P(\alpha = 0) = \frac{q}{n} \quad (2)$$

با توجه به رابطه‌ی (۲) تغییرات درآمد افراد فقیر در محدوده‌ی زیر خط فقر، بر مقدار شاخص بی‌تاثیر است. به بیان دیگر، این شاخص نمی‌تواند تاثیر انتقال درآمد از افراد فقیر به ثروتمندان یا انتقال درآمد از افراد غیرفقیر به فقرا و یا هر گونه مساعدت به فقرا در محدوده‌ی زیر خط فقر را نشان دهد. بر این اساس، شاخص نسبت سرشمار اظهار نظری در مورد این که افراد فقیر چقدر از فقر رنج می‌برند، و یا برای از بین بردن فقر آن‌ها به چه مقدار منابع نیاز است، نمی‌نماید. این موضوع مهم‌ترین مشکل شاخص یاد شده است. این مشکل با ارایه‌ی شاخص‌های نسبت شکاف فقر و شدت فقر برطرف می‌شود.

در رابطه‌ی (۱) چنان چه پارامتر α برابر یک باشد، شاخص نسبت شکاف فقر به دست می‌آید. در محاسبه‌ی این شاخص فرض می‌شود، تمام افراد فقیر به یک اندازه از فقر رنج می‌برند. بر این اساس به وضعیت فقر تمام افراد، وزن یکسانی برابر واحد داده می‌شود (داگلاس و هم‌کاران، ۲۰۰۲؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶):

$$I = P(\alpha = 1) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right) \quad (3)$$

این شاخص به عکس شاخص نسبت سرشمار، به تعداد افراد فقیر، کاملاً غیرحساس بوده و اظهار نظری در مورد درصد افراد فقیر جامعه یا نمونه‌ی مورد مطالعه نمی‌کند. در رابطه‌ی (۳) از جمع صورت کسر بالا، شکاف فقر محاسبه و با تقسیم آن بر خط فقر، مقدار شکاف فقر نرمال شده به دست می‌آید. با تقسیم مجموع شکاف فقر نرمال شده کلیه‌ی افراد فقیر بر تعداد کل افراد جامعه یا نمونه‌ی مورد مطالعه، نسبت شکاف فقر حاصل می‌شود.

به این ترتیب، شاخص‌های نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر، مکمل یکدیگر بوده به طوری که شاخص نسبت سرشمار تعداد افراد فقیر را نشان می‌دهد، بدون آن که به بیان شدت یا عمق فقر آنان بپردازد. در حالی که شاخص نسبت شکاف فقر، عمق فقر را بیان می‌کند، اما در مورد تعداد (درصد) افراد زیر خط فقر اطلاعاتی ارایه نمی‌نماید. در عین حال نکته‌ی دارای اهمیت آن است که، هیچ یک از این دو شاخص نسبت به توزیع مجدد درآمد در میان افراد

نمونه یا جامعه‌ی مورد مطالعه حساس نیستند. به طوری که، در شرایطی که انتقال درآمد از یک فرد فقیر به فرد فقیر دیگری صورت گیرد، نسبت سرشمار و یا شکاف فقر، هیچ تغییری را نشان نمی‌دهد، حال آن که فرد اول فقیرتر و فرد دوم غنی‌تر شده است (نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶).

به منظور فایق آمدن بر این مساله، از شاخص شدت فقر استفاده می‌شود. در این شاخص، با دادن وزن بیش‌تر به افراد فقیر دارای وضعیت بدتر، حساسیت بیش‌تری به فقر داده می‌شود. شاخص یاد شده از طریق انتخاب α بزرگ‌تر از واحد به دست می‌آید. ره‌یافت معمول در ادبیات فقر آن است، که مقدار پارامتر یاد شده برابر ۲ انتخاب شود (داگلاس و هم‌کاران، ۲۰۰۲؛ نجفی و شوشتریان، ۲۰۰۶). در حالت کلی، شاخص FGT با شرط α بزرگ‌تر از واحد، به صورت زیر نمایش داده می‌شود (زنگ، ۲۰۰۰):

$$FGT = P(\alpha) = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \left(\frac{z - x_i}{z} \right)^\alpha \quad \alpha > 1 \quad (4)$$

با استفاده از شاخص شدت فقر می‌توان میزان حساسیت توزیع درآمد را به دست آورد که از آن با عنوان معیار فقرگریزی^۱ یاد می‌شود. در این باره، چنان چه از تابع فقر، مشتقات اول و دوم نسبت به درآمد گرفته شود، از تقسیم مشتق دوم بر مشتق اول، معیار فقرگریزی به دست می‌آید. این معیار برای شاخص‌های فقر FGT با $\alpha > 1$ به صورت زیر می‌باشد (زنگ، ۲۰۰۰):

$$s_\alpha(x, z) = \frac{1 - \alpha}{x} \quad (5)$$

در رابطه‌ی بالا با افزایش α ، بر میزان حساسیت شاخص فقر افزوده می‌شود. در این رابطه، عبارت $(1 - \alpha)$ در اصطلاح پارامتر فقرگریزی بوده که با تقسیم آن بر درآمد هر فرد، میزان فقرگریزی آن فرد به دست می‌آید. به منظور تشریح فقرگریزی، دو فرد فقیر را در نظر بگیرید. اگر قرار باشد مبلغ مشخصی از یکی از این افراد گرفته شود، یک برنامه‌ریز اجتماعی تمایل کم‌تری به این دارد، که این مبلغ از فرد فقیرتر گرفته شود. به بیان دیگر یک برنامه‌ریز

فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس

اجتماعی، احساس می‌کند که اگر این مبلغ از افراد فقیرتر گرفته شود، رفاه اجتماعی فقرا به عنوان یک گروه اجتماعی، بدتر از وضعیتی می‌شود که این مبلغ از افراد کم‌تر فقیر گرفته شود (زنگ، ۲۰۰۰).

• انتخاب خط فقر مناسب

به طور کلی دو نوع خط فقر مطلق^۱ و نسبی^۲ در مطالعات فقر مورد استفاده قرار می‌گیرد (راوالیون، ۱۹۹۸؛ خان، ۲۰۰۰). استفاده از خط فقر نسبی برای اندازه‌گیری فقر در یک جامعه، همیشه موجب می‌شود که عده‌ای از افراد آن جامعه به عنوان فقیر معرفی شوند. به بیان دیگر، در صورت استفاده از خط فقر نسبی، هر قدر هم درآمد افراد جامعه بالا باشد و تمامی افراد جامعه از توانایی تامین کمینه نیازها برخوردار باشند، باز هم همواره درصدی از افراد جامعه در مقایسه با سایر افراد آن جامعه، فقیر تلقی می‌شوند (راوالیون، ۱۹۹۸؛ خان، ۲۰۰۰؛ زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴؛ خدادادکاشی و هم‌کاران، ۱۳۸۴؛ رییس دانا، ۱۳۸۴). افزون بر آن تجربه نشان داده است که در کشورهای جهان سوم، همیشه انتظار افزایش فقر مطلق می‌رود (رییس دانا، ۱۳۸۴). هم‌چنین، در پژوهش‌های محلی و منطقه‌ای، عمدتاً وضعیت فقر مطلق مورد توجه قرار گرفته است (زاهدی مازندرانی، ۱۳۸۴). بر این اساس در این مطالعه از معیار خط فقر مطلق استفاده شد.

• تعیین تمایلات ریسکی

روش‌های کاربردی متفاوتی در خصوص اندازه‌گیری تمایلات ریسکی و کمی کردن آن از سوی محققان اقتصادی ارایه شده است (راندهیر، ۱۹۹۱؛ ترکمانی، ۱۹۹۶؛ ترکمانی، ۱۳۷۹). متداول‌ترین و کاربردی‌ترین روش‌های مورد استفاده شامل روش ون نیومخ^۳ مرگنسترن (VN_M)^۳، روش ون نیومخ^۳ مرگنسترن تعدیل شده یا همان روش معادل قطعی محتمل

1 - Absolute Poverty Line

2 - Relative Poverty Line

3 - Von Neumann-Morgenstern

برابر (ELCE)^۱، روش رمزی^۲ یا روش محتمل برابر با پی‌آمد ریسکی (ELRO)^۳ است (ترکمانی، ۱۳۷۹؛ ترکمانی، ۱۹۹۶؛ ترکمانی، ۲۰۰۶؛ صبوحی صابونی، ۱۳۸۵).

از میان روش‌های یاد شده، روش ELCE کم‌هزینه و زمان‌اندوز است (صبوحی صابونی، ۱۳۸۵). این روش، در مقایسه با روش رمزی، نیاز به اطلاعات کم‌تری داشته و نسبت به روش ون نیومن مرگشترن، افزون بر اینکه ساده‌تر و عملی‌تر است، از پیش‌داوری در مورد تمایلات افراد نیز پرهیز می‌کند. در روش ELCE از معادل قطعی (CE) متغیرهای ریسکی برای تعیین نحوه‌ی گرایش به ریسک افراد استفاده می‌شود (ترکمانی، ۱۳۷۵). بر این اساس، این روش برای مطالعه انتخاب شد.

روش یاد شده به دو شیوه شامل تکنیک معادل مطمئن برابر با فعالیت ریسکی فرضی (ELCE - PH)^۴ و تکنیک معادل مطمئن برابر با فعالیت ریسکی واقعی (ELCE - R)^۵ می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. از آن جا که این دو تکنیک نتایج مشابهی را ارائه می‌نماید (ترکمانی و عبدالهی، ۲۰۰۱)، در این مطالعه از تکنیک معادل مطمئن برابر با فعالیت ریسکی فرضی استفاده شد. در این تکنیک از هر فرد خواسته می‌شود که درآمد مطمئنی را که موجب می‌شود، وی بین دریافت این درآمد مطمئن و مقادیر نامطمئن (دو مقدار با احتمال برابر ۵۰٪) بی‌تفاوت شود، ارائه کند. ارزش انتظاری این مقادیر نامطمئن، برابر با مجموع حاصل ضرب هر یک از این مقادیر نامطمئن در احتمالات مربوطه می‌باشد. بسته به این که آیا مقدار معادل مطمئن اظهار شده توسط فرد، بزرگ‌تر، برابر و یا کوچک‌تر از ارزش انتظاری گزینه‌ی ریسکی است، تمایلات ریسکی افراد به صورت ریسک‌پذیر، ریسک‌خشی و ریسک‌گریز بیان می‌شود (ترکمانی و عبدالهی، ۲۰۰۱).

1 Equally Likely Certainty Equivalent Method

2 -Ramsey Method

3 -Equally Likely but Risky Outcome Method

4 -Equally Likely Certainty Equivalent with a Purely Hypothetical Risky Prospect

5 -Equally Likely Certainty Equivalent with a Hypothetical but Realistic Risky Prospect

• تعیین ارتباط بین تمایلات ریسکی و شاخص‌های فقر

به تعیین ارتباط بین تمایلات ریسکی و هر یک از شاخص‌های نسبت سرشمار فقر، نسبت شکاف فقر و شدت فقر از تحلیل هم‌بستگی استفاده شد. تکنیک‌های مختلفی برای تحلیل هم‌بستگی وجود دارد. با توجه به این که در این مطالعه به‌کارگیری تکنیک معادل مطمئن برابر با فعالیت ریسکی فرضی در تعیین تمایلات ریسکی روستاییان منجر به رتبه‌بندی تمایلات ریسکی روستاییان به صورت ریسک‌پذیر، ریسک‌خشی و ریسک‌گریز می‌شود، به منظور تعیین وجود یا نبود ارتباط بین تمایلات ریسکی و هر یک از شاخص‌های فقر و نیز تعیین نوع و میزان ارتباط بین آن‌ها از ضریب هم‌بستگی اسپیرمن¹ استفاده شد (رمضانی، ۱۳۸۱).

• آمار و اطلاعات مورد نیاز

آمار و اطلاعات مورد نیاز مربوط به سال ۱۳۸۶ و با استفاده از شیوه‌ی پیمایشی از روستاهای شهرستان فسا در استان فارس جمع‌آوری شد. به منظور اجرای شیوه‌ی پیمایشی از روش نمونه‌گیری مشابه با روش نمونه‌گیری به‌کار رفته در مطالعات گروتیرت و نارایان (۲۰۰۴) و حیاتی و کرمی (۲۰۰۵) استفاده شد که به ترتیب، به مطالعه‌ی تاثیر سرمایه‌ی اجتماعی بر فقر و رفاه خانوارهای روستایی در بولیوی و مطالعه‌ی رفتار کشاورزان در زمینه‌ی عوامل ایجاد کننده‌ی فقر در استان فارس پرداخته‌اند. در این مطالعات به منظور انتخاب روستاهای مورد مطالعه از سطح امکانات رفاهی موجود در مناطق روستایی استفاده شده و در ادامه با استفاده از روش نمونه‌گیری ساده‌ی تصادفی به انتخاب خانوارهای نمونه‌ی مورد مطالعه مبادرت شده است. بر این اساس در این مطالعه نیز نخست امکانات رفاهی اجتماعی موجود در مناطق روستایی این شهرستان تعیین شد. به طور معمول کامل‌ترین سطح امکانات رفاهی اجتماعی در روستاهای شهرستان فسا شامل داشتن پزشک، داروخانه، خانه‌ی به‌داشت، تحصیلات تا مقطع پیش‌دانشگاهی دخترانه و پسرانه، پاسگاه انتظامی، بانک، سیستم حمل‌ونقل عمومی مناسب، مخابرات و دسترسی به انواع مغازه برای تامین مواد غذایی و دیگر

1 -Speaman Correlation Coefficient

نیازمندی‌های روزمره در سطح روستا است. روستای فدشکویه کلیه امکانات یادشده را دارا بوده و از تنوع در مغازه‌های تامین مواد غذایی، لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها برخوردار است. افزون بر آن، این روستا در مسیر جاده اصلی بین شهرستان فسا، شهر زاهدشهر و شهرستان جهرم قرار دارد. روستای یاسریه از بین مجموعه امکانات بالا بدون پاسگاه انتظامی، بانک، سیستم حمل‌ونقل عمومی مناسب، تحصیلات در مقطع پیش دانشگاهی دخترانه و پسرانه و مغازه‌های لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها در سطح روستا است. هم‌چنین روستای یادشده در مسیر جاده اصلی بین شهرستان‌ها قرار ندارد. روستای کنکان از بین مجموعه امکانات یادشده بدون پرشک، داروخانه، تحصیلات در مقاطع راهنمایی و بالاتر دخترانه و پسرانه، پاسگاه انتظامی، بانک، سیستم حمل‌ونقل عمومی مناسب، مغازه‌های مناسب برای تامین مواد غذایی، مغازه‌های لوازم خانگی و تعمیرات آن‌ها در سطح روستا است. هم‌چنین این روستا در مسیر جاده اصلی بین شهرستان‌ها قرار ندارد. بر این اساس، روستای فدشکویه به عنوان نماینده روستاهای برخوردار از بیش‌ترین سطح دسترسی به این امکانات رفاهی اجتماعی، روستای کنکان به عنوان نماینده روستاهای برخوردار از کم‌ترین سطح دسترسی به این امکانات و روستای یاسریه به عنوان نماینده روستاهای نسبتاً برخوردار از سطح دسترسی به امکانات رفاهی برای مطالعه انتخاب شدند. در ادامه، در هر یک از این مناطق با استفاده از روش نمونه‌گیری کاملاً تصادفی و به کمک رابطه‌ی زیر حجم نمونه تعیین شد (کالتون، ۱۹۹۰):

$$n = \frac{N\delta^2}{(N-1)\left(\frac{B^2}{4}\right) + \delta^2} \quad (6)$$

در این رابطه، n حجم نمونه‌ی مورد مطالعه، N تعداد خانوارهای موجود در هر یک از روستاهای منتخب، B^2 واریانس وضعیت مالی سالانه‌ی خانوارها در هر یک از روستاهای منتخب که به دلیل در اختیار نبودن اطلاعات مربوط به آن، از رابطه‌ی (۷) به تعیین تقریب آن اقدام شد (کالتون، ۱۹۹۰):

$$\delta^2 \equiv \left(\frac{\text{Max}_{\text{income}} - \text{Min}_{\text{income}}}{4} \right)^2 \quad (7)$$

هم‌چنین، B خطای اندازه‌گیری است که ۱۰ درصد در نظر گرفته شد. در رابطه‌ی اخیر $\text{Max}_{\text{income}}$ و $\text{Min}_{\text{income}}$ به ترتیب بیانگر میزان وضعیت مالی به‌ترین و بدترین خانوارها در روستاهای منتخب است.

بر اساس آمار سرشماری کشوری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵، تعداد خانوارهای ساکن در روستاهای فدشکویه، یاسریه و کنکان به ترتیب ۱۱۱۵، ۶۲۶ و ۱۴۱ خانوار بوده و بر اساس رابطه‌ی (۷)، واریانس وضعیت مالی خانوارها بر مبنای متوسط درآمد ماهانه در هر یک از این روستاها به ترتیب ۵/۴۴۹، ۴/۲۶۶ و ۳/۴۶۹ است. با توجه به موارد بالا و با استفاده از رابطه‌ی (۶)، در هر یک از روستاهای فدشکویه، یاسریه و کنکان به ترتیب ۵۲، ۴۰ و ۲۸ خانوار به طور کامل تصادفی انتخاب و در مجموع ۱۲۰ پرسش‌نامه در این سه روستا از طریق انجام مصاحبه، تکمیل و مورد استفاده قرار گرفت.

هم‌چنین، در این مطالعه از خط فقر مطلق محاسبه شده توسط نجفی و شوشتریان (۲۰۰۶) در مناطق روستایی استان فارس استفاده شد. ایشان به منظور برآورد خط فقر مطلق که نیازهای اساسی و اولیه‌ی زندگی را فراهم سازد، نخست به برآورد کمینه مخارج غذایی لازم برای یک زندگی در وضعیت سلامت تحت عنوان خط فقر غذایی پرداخته و در ادامه، کمینه مخارج غیرخوراکی لازم برای تعیین خط فقر غیرغذایی را به دست آورده و با خط فقر غذایی جمع کرده و به این ترتیب، خط فقر کل را محاسبه کرده‌اند. گفتنی است که با توجه به متفاوت بودن نیازهای افراد با توجه به سن و جنسیت، در هر یک از مراحل بالا، میزان خطوط فقر غذایی و غیرغذایی تعدیل شده و خط فقر مطلق به ازای هر فرد بالغ به دست آمده است. بر این اساس، میزان خط فقر مطلق برای سال ۱۳۸۶ در مناطق روستایی استان فارس به ازای هر فرد بالغ در هر ماه ۴۹۵۶۸۰/۶ ریال در این مطالعه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نتایج و بحث

جدول (۱) وضعیت تمایل روستاییان به ریسک را در نمونه‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول ۳۰ درصد روستاییان نمونه‌ی مورد مطالعه ریسک پذیر، ۲۰ درصد ریسک خشی و ۵۰ درصد آن‌ها ریسک گریز هستند. به این ترتیب می‌توان دریافت روستاییان ریسک‌گریز، بیش‌ترین سهم را در نمونه‌ی مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند. پس از آن به ترتیب، روستاییان ریسک پذیر و ریسک خشی قرار گرفته‌اند. جمع‌بندی اطلاعات جدول یاد شده بیانگر غالب بودن رفتار ریسک‌گریزی در بین روستاییان است. این موضوع اهمیت توجه به ریسک فعالیت‌ها را در مناطق روستایی مورد مطالعه بیش از پیش نمایان می‌سازد. از سوی دیگر با توجه به این که افراد ریسک‌گریز نسبت به افراد ریسک پذیر بخش بیش‌تری از درآمد خود را برای کاهش ریسک فعالیت‌ها می‌پردازند، پس در فعالیت‌های روستایی هم‌راه با ریسک، بخش عمده‌ای از روستاییان با کاهش بیش از انتظار درآمد مواجه شده و در نتیجه بازده این فعالیت‌ها کاهش می‌یابد. این موضوع به نوبه‌ی خود توسعه‌ی جامعه‌ی روستایی را با محدودیت هم‌راه کرده و به عنوان مانعی در مسیر توسعه‌ی روستایی عمل خواهد کرد.

جدول (۱). وضعیت گرایش روستاییان نمونه‌ی مورد مطالعه به ریسک

وضعیت تمایل به ریسک	تعداد افراد	درصد فراوانی
ریسک پذیر	۳۶	۳۰
ریسک خشی	۲۴	۲۰
ریسک گریز	۶۰	۵۰
جمع	۱۲۰	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۲). وضعیت شاخص نسبت سرشمار در روستاییان مورد مطالعه

وضعیت فقر	تعداد افراد	درصد فراوانی
زیر خط فقر	۵۸	۴۸/۳۳
بالای خط فقر	۶۲	۵۱/۶۷
جمع	۱۲۰	۱۰۰

ماخذ: یافته‌های تحقیق

جدول (۲) نسبت سرشمار فقر را در نمونه‌ی مورد مطالعه نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات جدول یاد شده ۴۸/۳۳ درصد روستاییان مورد مطالعه، فقیر و ۵۱/۶۷ درصد بقیه، غیرفقیر می‌باشند. این موضوع اهمیت توجه به فقرای روستایی را در برنامه‌های توسعه روستایی بیش از پیش نشان می‌دهد. افزون بر آن با مقایسه‌ی اطلاعات جدول‌های (۱) و (۲) می‌توان به امکان وجود ارتباط بین تمایلات ریسکی روستاییان و نسبت سرشمار فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه پی برد. بر این اساس جدول (۳) اطلاعات مربوط به هم‌بستگی بین تمایلات ریسکی روستاییان و شاخص نسبت سرشمار فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه را ارائه کرده است. با توجه به اطلاعات این جدول، درصد فراوانی روستاییان فقیر نسبت به روستاییان غیرفقیر در هر یک از سطوح تمایلات ریسکی آنان شامل ریسک‌پذیری، ریسک خنثی و ریسک‌گریزی به ترتیب ۳۰، ۸۵ و ۵۰ درصد است. بر این اساس، در نمونه‌ی مورد مطالعه با حرکت به سمت تمایلات ریسک‌پذیری به سمت ریسک‌گریزی، درصد فراوانی یاد شده روند کاهشی دارد. این موضوع توسط ضریب هم‌بستگی بین تمایلات ریسکی و شاخص نسبت سرشمار فقر تایید می‌شود. به طوری که مقدار این ضریب $+۰/۳۵$ و از نظر آماری در سطح یک درصد معنادار است. منفی شدن این ضریب و معنادار بودن آن از نظر آماری بیانگر کاهش درصد فراوانی روستاییان فقیر به روستاییان غیرفقیر با حرکت از سمت ریسک‌پذیری به سمت ریسک‌گریزی است. پدیده‌ی بالا به آن علت است که دو سوم (۶۶/۶۷ درصد) از روستاییانی که دارای تمایلات ریسک‌گریزی هستند، غیرفقیر بوده و از مجموع روستاییانی که تمایلات ریسک‌پذیری از خود بروز داده‌اند، ۷۵ درصد آنان فقیر می‌باشند. به این ترتیب در مجموع تمایلات ریسک‌گریزی دارای توزیع فراوانی بیش‌تری در بین غیرفقرای روستایی و تمایلات

ریسک‌پذیری دارای توزیع بیش‌تری در بین فقرای روستایی است. در نتیجه با حرکت از سمت ریسک‌پذیری به سوی ریسک‌گریزی، میزان شاخص نسبت سرشمار فقر با کاهش همراه می‌شود.

جدول (۳). توزیع روستائیان غیرفقیر و فقیر نمونه‌ی مورد مطالعه بر اساس سطوح مختلف تمایلات ریسکی

وضعیت تمایل به ریسک	روستائیان غیرفقیر		روستائیان فقیر		کل نمونه	
	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی	تعداد	درصد فراوانی
ریسک‌پذیر	۹	۲۵	۲۷	۷۵	۳۶	۱۰۰
ریسک‌خنثی	۱۳	۵۴/۱۷	۱۱	۴۵/۸۳	۲۴	۱۰۰
ریسک‌گریز	۴۰	۶۶/۶۷	۲۰	۳۳/۳۳	۶۰	۱۰۰
ضریب همبستگی اسپیرمن بین تمایلات ریسکی و نسبت سرشمار فقر		**۰/۳۵+				

ماخذ: یافته‌های تحقیق
** معنادار در سطح ۱ درصد.

جدول (۴) به بررسی این موضوع از منظر دیگر پرداخته است. این جدول وضعیت گرایش به ریسک روستائیان به تفکیک گروه‌های فقیر و غیرفقیر را در نمونه‌ی مورد مطالعه ارائه کرده است. در این جدول، از مجموع روستائیان غیرفقیر، ۱۴/۵۲ درصد آنان ریسک‌پذیر، ۲۰/۹۶ درصد ریسک‌خنثی و ۶۴/۵۲ درصد ریسک‌گریز هستند. به این ترتیب می‌توان دریافت ریسک‌گریزی، وضعیت غالب تمایلات ریسکی روستائیان غیرفقیر را تشکیل می‌دهد. با توجه به ریسک‌فعالیت‌های روستایی و این که در شرایط یکسان ریسکی، افراد ریسک‌گریز نسبت به افراد ریسک‌پذیر، بخشی بیش‌تری از درآمد خود را برای کاهش ریسک فعالیت‌ها می‌پردازند و به این ترتیب با کاهش بیش‌تری در درآمد مواجه می‌شوند، شاید بتوان در زمینه‌ی غالب بودن تمایلات ریسکی روستائیان غیرفقیر چنین استدلال کرد که اغلب روستائیان غیرفقیر در شرایط موجود که چتر بیمه، کلیه‌ی فعالیت‌های روستایی را تحت پوشش ندارد و حتی پوشش بیمه در مورد فعالیت‌های مشمول بیمه نیز کامل نیست، با مشاهده‌ی وضعیت روستائیان فقیر که در

فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس

مجاورت آن‌ها زندگی می‌کنند و با عنایت به بالا بودن ریسک فعالیت‌های روستایی، ریسک‌گریزی را در دستور کار خود قرار داده تا با کاهش کم‌تری در درآمد مواجه شوند. به بیان دیگر، گریز از ریسک شیوه‌ای است که اغلب روستاییان غیرفقیر برای فرار از دام فقر در پیش می‌گیرند.

جدول (۴). وضعیت گرایش روستاییان فقیر و غیرفقیر نمونه‌ی مورد مطالعه به ریسک

فقر		غیرفقیر		وضعیت تمایل به ریسک
درصد فراوانی	تعداد افراد	درصد فراوانی	تعداد افراد	
۴۶/۵۵	۲۷	۱۴/۵۲	۹	ریسک‌پذیر
۱۸/۹۷	۱۱	۲۰/۹۶	۱۳	ریسک‌خشی
۳۴/۴۸	۲۰	۶۴/۵۲	۴۰	ریسک‌گریز
۱۰۰	۵۸	۱۰۰	۶۲	جمع

ماخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس بخش دیگر از اطلاعات جدول (۴)، ۴۶/۵۵ درصد روستاییان فقیر، ریسک‌پذیر، ۱۸/۹۷ درصد آنان ریسک‌خشی و ۳۴/۴۸ درصد ریسک‌گریز هستند. به این ترتیب می‌توان استنباط کرد که برخلاف گروه غیرفقیر، ریسک‌پذیری وضعیت غالب تمایلات ریسکی روستاییان فقیر را تشکیل می‌دهد. شاید بتوان در این زمینه چنین استدلال کرد که روستاییان فقیر خود را در بدترین وضعیت و موقعیت اقتصادی اجتماعی می‌بینند و یکی از راه‌کارهای رها شدن از چنین وضعیتی را روی آوردن به ریسک می‌دانند. چرا که با قرار گرفتن در شرایط ریسک‌پذیری و به بیان دیگر با ریسک کردن، چیزی از دست نداده و حتی ممکن است بتوانند خود را از فقر نجات دهند.

با ملاحظه‌ی جدول‌های (۳) و (۴) می‌توان به این نکته پی برد که با استفاده از شاخص نسبت سرشمار فقر و با توجه به سطوح مختلف تمایلات ریسکی می‌توان به تشریح تمایلات

ریسکی در بین فقرا مبادرت کرد اما نمی‌توان در زمینه‌ی وضعیت شکاف و عمق فقر در سطوح مختلف تمایلات ریسکی اظهار نظر کرد.

جدول (۵) شاخص نسبت شکاف فقر محاسبه شده را برای کل فقرای نمونه‌ی مورد مطالعه و نیز به تفکیک سطوح مختلف تمایلات ریسکی آنان ارایه کرده است. بر اساس اطلاعات ستون یاد شده، میزان نسبت شکاف فقر برای کل روستاییان فقیر نمونه‌ی مورد مطالعه، ۰/۳۵ بوده و میزان آن به تفکیک ریسک‌پذیر، ریسک‌خشی و ریسک‌گریز بودن فقرای روستایی به ترتیب ۰/۱۹، ۰/۴۹ و ۰/۵۰ است. بر این اساس، با تغییر تمایلات ریسکی فقرای روستایی، از ریسک‌گریزی به سمت ریسک‌پذیری، شاخص نسبت شکاف فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه کاهش می‌یابد. این موضوع با استفاده از ضریب هم‌بستگی بین تمایلات ریسکی و شاخص نسبت شکاف فقر تایید می‌شود. به طوری که میزان این ضریب برابر ۰/۵۶ و از نظر آماری در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. پس می‌توان استنباط کرد با ریسک‌پذیر شدن فقرای روستایی، زمینه برای کاهش شکاف فقر آنان فراهم می‌شود. بر این اساس، تلاش برای تغییر شیوه‌ی نگرش روستاییان فقیر به ریسک با تاکید بر ریسک‌پذیر نمودن آنان می‌تواند شکاف فقر روستاییان فقیر را کاهش دهد. اما چنان چه نتوان تمایلات ریسکی روستاییان فقیر را به سمت ریسک‌پذیری تغییر داد، با توجه به این که افراد ریسک‌گریز تمایل دارند بخشی از درآمد خود را برای کاهش ریسک موجود در فعالیت‌ها پردازند، بر شکاف فقر آنان افزوده می‌شود. پس نیاز به استفاده از تمهیداتی برای کاهش ریسک فعالیت‌های روستاییان فقیر است. در این باره می‌توان از طریق چتر بیمه، میزان ریسک فعالیت‌ها را کاهش داده و هزینه‌ای را که روستاییان فقیر بابت کاهش پی‌آمدهای ریسکی می‌پردازند کم‌تر کرد. در نتیجه روستاییان فقیر ریسک‌گریز، با کاهش کم‌تری در درآمد مواجه شده و در نتیجه شکاف فقر آنان کاهش خواهد یافت.

فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس

جدول (۵). شاخص نسبت شکاف فقر و میانگین مساعدت مالی برای خروج از فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه با توجه به سطوح مختلف تمایلات ریسکی (ریال به ازای هر فرد بالغ در هر ماه)

وضعیت تمایل به ریسک	میزان شاخص شکاف فقر	میانگین مساعدت مالی برای خروج از فقر
ریسک‌پذیر	۰/۱۹	۹۳۰۰۴
ریسک‌خنثی	۰/۴۹	۲۴۲۵۰۱
ریسک‌گریز	۰/۵۰	۲۴۹۲۳۶
کل فقرای نمونه	۰/۳۵	۱۷۵۲۳۰
ضریب هم‌بستگی اسپیرمن بین تمایلات ریسکی و شاخص نسبت شکاف فقر		۰/۵۶ ***

ماخذ: یافته‌های تحقیق *** معنادار در سطح ۱ درصد.

از طرف دیگر، هر چه نسبت شکاف فقر بیش‌تر باشد، منابع مالی بیش‌تری برای رها شدن روستاییان از فقر، مورد نیاز است. به طوری که بر اساس اطلاعات ستون سوم جدول (۵) به طور متوسط برای خروج روستاییان فقیر ریسک‌گریز، ریسک‌خنثی و ریسک‌پذیر از فقر به ترتیب، ۲۴۹۲۳۶، ۲۴۲۵۰۱ و ۹۳۰۰۴ ریال به ازای هر فرد بالغ در هر ماه مورد نیاز است. بر این اساس، روستاییان فقیر ریسک‌گریز نیازمند مساعدت مالی بیش‌تری برای خروج از فقر بوده و پس از آن به ترتیب، روستاییان فقیر ریسک‌خنثی و سرانجام روستاییان فقیر ریسک‌پذیر قرار دارند.

چنان چه دیده می‌شود، شاخص نسبت شکاف فقر اظهار نظری در زمینه‌ی شدت تاثیر این مساعدت‌ها بر روند خروج از فقر روستاییان فقیر در هر یک از سطوح تمایلات ریسکی نمی‌نماید. بلکه، فقط میزان مساعدت لازم برای خروج از فقر را نشان می‌دهد. بر این اساس، در ادامه به بررسی شاخص شدت فقر که توانایی پرداختن به این موضوع را داراست، مبادرت شد.

جدول (۶) شاخص شدت فقر محاسبه شده برای کل گروه فقیر نمونه‌ی مورد مطالعه و نیز برای سطوح مختلف تمایلات ریسکی را ارائه کرده است. بر اساس اطلاعات جدول یاد شده میزان شدت فقر برای کل فقرای نمونه‌ی مورد مطالعه، برابر ۰/۱۹ بوده و میزان آن به تفکیک

ریسک‌پذیر، ریسک خنثی و یا ریسک‌گریز بودن فقرای روستایی به ترتیب ۰/۲۸، ۰/۰۶ و ۰/۳۲ است. بر این اساس می‌توان دریافت، روند شاخص شدت فقر در سطوح مختلف تمایلات ریسکی به گونه‌ای است که روستاییان فقیر ریسک‌گریز بیش از روستاییان فقیر ریسک خنثی و روستاییان فقیر ریسک خنثی بیش از روستاییان فقیر ریسک‌پذیر از فقر رنج می‌برند. این موضوع با استفاده از ضریب هم‌بستگی بین تمایلات ریسکی و شاخص شدت فقر تایید می‌شود. به طوری که میزان این ضریب برابر ۰/۵۶ و از نظر آماری نیز در سطح یک درصد معنادار می‌باشد. بر این اساس می‌توان استنباط کرد، اگر مبلغ مشخصی از هر یک از روستاییان فقیر در سطوح مختلف تمایلات ریسکی گرفته شود، روستاییان فقیر ریسک‌گریز بیش از روستاییان فقیر ریسک خنثی و روستاییان فقیر ریسک خنثی بیش از روستاییان فقیر ریسک‌پذیر آسیب می‌بینند. به همین ترتیب، چنان چه همین مبلغ به هر یک از فقرای روستایی موجود در هر یک از سطوح مختلف تمایلات ریسکی پرداخت شود، روستاییان فقیر ریسک‌گریز بیش از روستاییان فقیر ریسک خنثی و روستاییان فقیر ریسک خنثی بیش از روستاییان فقیر ریسک‌پذیر از فقر بهره‌مند می‌شوند. با توجه به موارد بالا، روستاییان فقیر ریسک‌گریز، بیش‌ترین و روستاییان فقیر ریسک‌پذیر کم‌ترین حساسیت را نسبت به توزیع درآمد از خود نشان می‌دهند. این موضوع به طور مفصل‌تر در ستون سوم جدول (۶) مورد توجه قرار گرفته است.

جدول (۶). شاخص شدت فقر و میزان فقر‌گزیری فقرای نمونه‌ی مورد مطالعه در سطوح مختلف تمایلات ریسکی

وضعیت تمایل به ریسک	میزان شاخص شدت فقر	میزان فقر‌گزیری
ریسک‌پذیر	۰/۰۶	±/۰۰۰۰۰۲۶
ریسک‌خنثی	۰/۲۸	±/۰۰۰۰۰۴۶
ریسک‌گریز	۰/۳۲	±/۰۰۰۰۰۷۹
کل فقرای نمونه	۰/۱۹	±/۰۰۰۰۰۴۸
ضریب هم‌بستگی اسپیرمن بین تمایلات ریسکی و شاخص شدت فقر	۰/۵۶**	

** معنادار در سطح ۱ درصد

ماخذ: یافته‌های تحقیق

فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس

ستون سوم جدول (۶) میزان کل فقرگریزی فقرای نمونه‌ی مورد مطالعه و میزان فقرگریزی آنان را با توجه به سطوح مختلف تمایلات ریسکی نشان می‌دهد. علامت منفی معیار فقرگریزی بیانگر گریز از فقر است. پس بررسی صورت گرفته در ادامه منطبق بر قدر مطلق این معیار است. چنان که از اطلاعات ستون یاد شده برمی‌آید، میزان قدر مطلق فقرگریزی برای کل فقرای نمونه‌ی مورد مطالعه ۰/۰۰۰۰۰۰۴۸ و این میزان به تفکیک ریسک‌پذیری، ریسک‌خشی بودن و ریسک‌گریزی آنان به ترتیب ۰/۰۰۰۰۰۰۲۶، ۰/۰۰۰۰۰۰۴۶ و ۰/۰۰۰۰۰۰۷۹ است. پس دیده می‌شود در بین فقرای روستایی به تدریج با حرکت از وضعیت ریسک‌پذیری به سمت ریسک‌گریزی بر میزان فقرگریزی آنان افزوده می‌شود. بر این اساس ریسک‌گریزی فقرای روستایی با فقرگریزی آنان دارای حرکتی هم‌سو است. بنابراین روستاییان فقیر ریسک‌گریز، بیش‌ترین حساسیت و روستاییان فقیر ریسک‌پذیر، کم‌ترین حساسیت را نسبت به توزیع درآمد از خود نشان می‌دهند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

۱. نتایج نشان داد که نزدیک به نیمی (۴۸/۳۳ درصد) از روستاییان مورد مطالعه فقیر هستند. بر این اساس توجه به فقر روستایی در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی و در نظر گرفتن کاهش فقر به عنوان یکی از اهداف اصلی این برنامه‌ها توصیه می‌شود.
۲. نتایج نشان داد با تغییر تمایلات ریسکی فقرای روستایی از ریسک‌گریزی به سمت ریسک‌پذیری، شکاف فقر در نمونه‌ی مورد مطالعه کاهش می‌یابد. بر این اساس، به منظور کاهش شکاف فقر، تلاش برای تغییر شیوه‌ی نگرش روستاییان فقیر به ریسک با تاکید بر ریسک‌پذیر نمودن توصیه می‌شود.
۳. نتایج نشان داد که روستاییان ریسک‌گریز، بیش‌ترین سهم (۵۰ درصد) را در نمونه‌ی مورد مطالعه به خود اختصاص داده‌اند. از آن جا که افراد ریسک‌گریز نسبت به افراد ریسک‌پذیر بخش بیش‌تری از درآمد خود را برای کاهش ریسک فعالیت‌ها می‌پردازند، پس در فعالیت‌های روستایی هم‌راه با ریسک، بخش عمده‌ای از روستاییان با کاهش بیش از انتظار

درآمد مواجه شده و در نتیجه بازده فعالیت‌ها کاهش می‌یابد. این موضوع به نوبه‌ی خود توسعه‌ی جامعه‌ی روستایی را با محدودیت همراه کرده و به عنوان مانعی در مسیر توسعه‌ی روستایی عمل خواهد کرد. بر این اساس در برنامه‌های توسعه‌ی روستایی که کل روستاییان (فقرا و غیرفقرا) را زیر پوشش قرار می‌دهد، تلاش در جهت کمینه کردن ریسک این برنامه‌ها، باید به عنوان ضرورتی برای تسریع فرآیند توسعه‌ی روستایی مورد توجه قرار گیرد. در این باره می‌توان از طریق چتر بیمه از جمله بیمه‌ی درآمد، برای کاهش ریسک فعالیت‌ها و در نتیجه کاهش پی‌آمدهای ریسکی برای روستاییان استفاده کرد و به این ترتیب شکاف فقر را در جامعه روستایی کاهش داد.

۴. نتایج نشان داد روند شاخص شدت فقر در سطوح مختلف تمایلات ریسکی به گونه‌ای است که روستاییان فقیر ریسک‌گریز بیش از روستاییان فقیر ریسک‌خشی و روستاییان فقیر ریسک‌خشی بیش از روستاییان فقیر ریسک‌پذیر از فقر رنج می‌برند. هم‌چنین روستاییان فقیر ریسک‌گریز، بیش‌ترین حساسیت و روستاییان فقیر ریسک‌پذیر، کم‌ترین حساسیت را نسبت به توزیع درآمد از خود نشان می‌دهند. بر این اساس، چنان‌چه سیاست‌های توسعه‌ی روستایی و برنامه‌های فقرزدایی تمایل به استفاده از مساعدت مالی برای کاهش فقر در جامعه روستایی دارند (مانند سیاست‌ها و برنامه‌های کمیته‌ی امداد امام خمینی(ره))، در توزیع این مساعدت‌ها، شناسایی فقیرترین فقرای روستایی به عنوان گروه هدف و توجه به آنان می‌تواند بیش‌ترین اثربخشی را در زمینه‌ی ترمیم عمق فقر در سطح جامعه‌ی روستایی در پی داشته باشد.

منابع

ترکمانی، ج. (۱۳۷۵). تصمیم‌گیری در شرایط عدم قطعیت. مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، جلد اول، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده‌ی کشاورزی

زابل: ۴۶۶-۱۵۲.

فقر و گرایش به مخاطره در مناطق روستایی استان فارس

- ترکمانی، ج. (۱۳۷۹). مقایسه و ارزیابی روش‌های عمده‌ی تعیین گرایش به ریسک بهره‌برداران کشاورزی: مطالعه‌ی موردی واحدهای نگه‌داری گاوهای شیری. *فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۳۱: ۵۵-۳۱.
- جعفری‌ثانی، م. و بخشوده، م. (۱۳۸۷). بررسی توزیع زمانی و مکانی فقر و ناامنی غذایی در ایران. *فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۶۱: ۴۲۴-۱۰۳.
- خالدی، ک. و پرمه، ز. (۱۳۸۴). بررسی وضعیت فقر در مناطق شهری و روستایی ایران (۱۳۸۲-۱۳۷۵). *فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۴۹: ۸۱-۵۷.
- خدادادکاشی، ف.، حیدری، خ. و باقری، ف. (۱۳۸۴). برآورد خط فقر در ایران طی سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۶۳. *فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی*، ۴: ۴۶۳-۱۳۷.
- داداش‌زاده، ن. (۱۳۷۰). بررسی ریشه‌های فقر در ایران. پایان‌نامه‌ی دکترای اقتصاد نظری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- رضوی، ح. (۱۳۸۲). روستا، فقر و توسعه، جلد دوم، روش‌های مقابله با فقر روستایی (تجارب کشورهای آسیایی)، چاپ اول، انتشارات روستا و توسعه، تهران.
- رمضانی، خ. (۱۳۸۱). روش‌های تحقیق در علوم رفتاری و علوم اجتماعی. چاپ پنجم، انتشارات فاطمیه، تهران.
- رئیس‌دانا، ف. (۱۳۸۴). اندازه‌گیری شاخص و پوشش فقر در ایران. *فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی*، ۴: ۸۹-۵۷.
- زاهدی‌عبقری، ا. (۱۳۷۵). سیاست‌های حمایتی و راه‌های مقابله با فقر روستایی. مجموعه مقالات گردهمایی بررسی مسأله‌ی فقر و فقرزدایی، جلد اول، چاپ اول، سازمان برنامه و بودجه، تهران.
- زاهدی‌مازندرانی، م. ج. (۱۳۸۴). فقر روستایی، روند و اندازه‌گیری آن در ایران. *فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی*، ۴: ۴۲۶-۲۸۹.

شفیعی، ح. و بخشوده، م. (۱۳۸۴). بررسی ویژگی‌های گروه‌های فقر و تعیین درصد افراد زیر خط فقر در مناطق روستایی: مطالعه‌ی موردی استان سیستان و بلوچستان. پنجمین کنفرانس انجمن اقتصاد کشاورزی ایران، زاهدان.

صبحی صابونی، م. (۱۳۸۵). بهینه‌سازی الگوهای کشت با توجه به مزیت نسبی حوضه‌ی آبریز در تولید محصولات زراعی: مطالعه‌ی موردی استان خراسان. پایان‌نامه‌ی دکترای اقتصاد کشاورزی، دانشگاه شیراز، شیراز.

عابدی، ع. (۱۳۸۱). اندازه‌گیری و تحلیل خط فقر و توزیع درآمد در استان آذربایجان شرقی. چاپ اول، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان آذربایجان شرقی، تبریز.

عرب‌مازار، ع. و حسینی‌نژاد، س. م. (۱۳۸۳). برآورد میزان فقر و شدت آن در گروه‌های مختلف شغلی خانوارهای روستایی ایران. *فصل‌نامه‌ی اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۴۵: ۱۱۳-۱۴۰.

محمودی، و. (۱۳۸۱). اندازه‌گیری فقر در ایران. *فصل‌نامه‌ی پژوهش‌نامه‌ی بازرگانی*، ۲۴: ۵۷-۲۷.

محمودی، و. (۱۳۸۲). تجزیه‌ی فقر بر حسب خصوصیات اقتصادی اجتماعی خانوارها و مناطق جغرافیایی در ایران. *فصل‌نامه‌ی پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۲۵: ۵۲-۲۹.

محمودی، و. و صمیمی‌فر، س. ق. (۱۳۸۴). فقر قابلیت‌ی. *فصل‌نامه‌ی رفاه اجتماعی*، ۴: ۳۱-۹. معنوی، م. (۱۳۷۸). تحلیل و بررسی فقر (مطلق و ذهنی) در استان کردستان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

میرزاخانی، م. (۱۳۷۴). بررسی روند فقر روستایی در جامعه‌ی روستایی ایران. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد اقتصاد نظری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران.

Binswanger, H. P (1980). Attitudes toward risk: Experimental measurement in rural India. *American Journal of Agricultural Economics*, 62: 395-407.

Dillon, J. L. and Scandizzo, P. L. (1987). Risk attitudes of subsistence farmers in Northeast Brazil: A sampling approach. *American Journal of Agricultural Economics*, 60: 425-435.

- Duclos, J. Y., Araar, A. and Fortin, C. (2002). DAD: Distributive Analysis/Analyse Distributive user's manual. Department deconomique, Universite Laval, Quebec, Canada.
- Foster, J., Greer, J. and Thorbecke, E. (1984). A class of decomposable poverty measures. *Econometrica*, 52: 761-766.
- Grootaert, C. and Narayan, D. (2004). Local institutions, poverty and household welfare in Bolivia. *World Development*, 32: 1179-1198.
- Hayati, D. and Karami, E. (2005). Typology of causes of poverty: The perception of Iranian farmers. *Journal of Economic Psychology*, 26: 884-901.
- Kalton, G. (1990). Introduction to survey sampling. Sage publication, Inc. USA.
- Khan, M. H. (2000). Rural poverty in developing countries: Issues and policies, International Monetary Fund, Washington DC.
- Moscardi, E. and de Janvery, A. (1977). Attitude toward risk among peasants: An econometric application approach. *American Journal of Agricultural Economics*, 59: 710-721.
- Najafi, B. and Shooshtarian, A. (2006). Determinants of Poverty for Rural and Urban Households in Iran. 13th Annual Conference Economic Research Forum, Kuwait.
- Randhir, O. T. (1991). Influence of risk on input use in South Indian tank fed farms. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 46: 57-63.
- Ravallion, M. (1998). Poverty lines in theory and practice. LSMS Working Paper NO. 133, World Bank.
- Torkamani, J. (1996). Decision criteria in risk analysis: An application of stochastic dominance with respect to a function. *Iranian Agricultural Research*, 15: 1-18.
- Torkamani, J. (2006). Measuring and incorporating farmers' personal beliefs and preferences about uncertain events in decision analysis: A stochastic programming experiment. *Indian Journal of Agricultural Economics*, 61: 185-199.
- Torkamani, J. and Abdolahi, M. (2001). Empirical comparison of direct techniques for measuring attitude toward risk. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 3: 163-170.
- Zheng, B. (2000). Minimum Distribution-Sensitivity, Poverty Aversion, and Poverty Orderings. *Journal of Economic Theory*, 95: 116-137.